



فصلنامه الکترونیکی پژوهش‌های حقوقی قانون‌یار

License Number: 80025 Article Cod: 2019Y2N8A1 ISSN-E: 6452-2588

ماهیت حقوقی حاکم بر قراردادهای دانش فنی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۸/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۸/۱۲/۱۲)

دکتر راضیه عبد الصمدی^۱

عضو هیات علمی گروه حقوق دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی

مرضیه رفیعی آفرانی

کارشناس ارشد حقوق خصوصی

چکیده

دانش فنی به عنوان یکی از زاینده‌های فکری که بر اساس تفکر و تلاش‌های بسیار زیادی ساخته و پرداخته می‌شود و مختصاً در ذهن آن شخص می‌باشد، دیگران از آن اطلاع نداشته و صاحب دانش فنی نیز تمایلی به افشای آن ندارد. اما با این حال لازم می‌داند که برای استفاده و انتفاع از این دانش با دیگران به نقل و انتقال برخیزد. در صورتی که دانش فنی بصورت لیسانس به دیگری عرضه شود، او مالک دانش فنی نمی‌شود و صرفاً حق انتفاع و استفاده از آن را دارد اما در واگذاری دانش فنی است که منتقل الیه به نحوی مالک دانش فنی می‌شود و به تبع دارای حق انتفاع و بهره از آن می‌شود. مسایل و فرضیاتی که در این باب ایجاد می‌شوند این است که دانش فنی از نظر حقوقی چه وضع و ماهیتی دارد و در چه قالبی امکان انتقال و واگذاری آن وجود دارد. و نیز حقوق مالکیت فکری تا چه حد از این دانش حمایت نموده و چه سازوکارهایی را ارائه می‌دهد. نتیجتاً آنچه مسلم است اینکه دانش فنی بعنوان یک امتیاز از حمایت حقوق مالکیت فکری برخوردار بده و انتقال آن به غیر محترم شمرده می‌شود.

واژگان کلیدی: دانش فنی، مالکیت، واگذاری، لیسانس، حقوق معنوی

^۱ نویسنده مسئول



بخش اول: کلیات

حقوق مالکیت فکری یکی از نظام‌های شناخته شده در جهان و نیز ایران می‌باشد که در صدد شناسایی و حمایت از مالکیت‌های معنوی و غیر مادی می‌باشد. ممکن است این نوع مالکیت اثر مالی داشته باشد اما ماهیتاً غیر مادی است. باین وجود باید با صراحت بیان داشت که غیر مادی بودن زائیده‌های فکری و تولیدات معنوی خدشه‌ای به عنصر «مالکیت» این موارد وارد نمی‌آورد. نظام حقوق مالکیت فکری که از آن به مالکیت معنوی نیز یاد می‌شود دانش فنی را مورد شناسایی قرار داده است. و در حقوق خارجه دانش فنی را از اسرار تجاری دانسته‌اند. اساساً دانش فنی یک تولید غیر عام است به عبارتی برای عام نا آشنا بوده و مالک آن نیز در اصل نمی‌خواهد دانش فنی خود را به عرضه قراردادده و فاش نماید. اما صاحب دانش فنی می‌تواند آن را به دیگری که اساساً برای او آشنا و قابل اعتماد است واگذار نموده یا به لیسانس بدهد تا هر دو با استفاده از دانش فنی مورد نظر کمال انتفاع را ببرند. در این جاست که نظام حقوق مالکیت فکری وارد این مقوله شده و اصولاً به حمایت از این انتقالات بر می‌خیزد. به جرات می‌توان گفت دانش فنی تمام ویژگی‌های لازمه برای اینکه اعتبار مالکیت را داشته باشد را داراست. دانش فنی چیزی فراتر از ذهن است. چیزی است که ممکن است مادی نباشد اما ارزش مالی داشته باشد. تا زمانی که دانش فنی به دیگری واگذار نشده و به عبارت عام مورد بیع و فروش قرار نگرفته باشد، در ملکیت مالککش قرار دارد حتی اگر لیسانس دانش فنی به دیگری منتقل شده باشد. هم چنین دانش فنی دارای مالیت است چه اینکه کافی است مالی برای طرفین ارزش اقتصادی داشته باشد که به نحوی حاضر شود در مقابل آن هزینه کند. دیگر اینکه دانش فنی دارای مالیت مشروع و عقلایی است. مشروع بودن دانش فنی و یا هر مال دیگری در آنجا مورد تردید قرار می‌گیرد که نظم عمومی و اخلاق حسنه را خدشه دار ساخته یا خلاف دستورات شرعی باشد. توجه به این نکته نیز لازم است که همیشه عقلاء به دانش و یا هر پدیده‌ای که مشروع بوده و برای طرفین یا عامه دارای منفعت و ارزش باشد، احترام می‌گذارند. با این اوصاف دانش فنی بعنوان یکی از اموال دارای ارزش اقتصادی، قابل انتقال



اعم از واگذاری و لیسانس می‌باشد و هیچ مانعی در این راه وجود ندارد. چه اینکه اولاً نظام حقوق مالکیت فکری (معنوی) دانش فنی و اعمال مالکانه بر آن را اجازه داده و به عبارتی مخالفتی نکرده است و ثانیاً، قراردادی که برای انتقال آن منعقد می‌شود بر اساس ماده ۱۰ قانون مدنی بوده و تمام اعتبارات و ضمانت اجراهای لازمه را خواهد داشت. اما بدلیل اینکه دانش فنی یک تولید ذهنی و معنوی است نه مادی و خارجی و چیزی است که مترشح ذهن و افکار آدمی می‌باشد لازم است در نظام مالکیت فکری قرار گرفته و از حمایت‌ها و موهوبات این نظام برخوردار شود.

بخش دوم: تبیین مفهوم واگذاری و لیسانس دانش فنی

معمولاً واگذاری به انتقال دانش فنی اطلاق می‌شود در حالی که لیسانس به اعطای مجوز بهره برداری از دانش فنی اطلاق می‌شود که به گیرنده حق انتفاع اعتلاء می‌کند. به عبارت دیگر، مالی که موضوع واگذاری است، وارد دارایی دریافت کننده می‌شود، در حالی که در لیسانس، مال مذکور در دارایی دهنده باقی می‌ماند.^۲ ولی گیرنده می‌تواند از آن منتفع شود. هر چند برخی از نویسندگان معتقدند که صحبت از واگذاری دانش فنی با لیسانس آن به دلیل تفاوت آن با حق خصوصی صحیح نمی‌باشد،^۳ اما اصطلاحات مذکور در عمل استعمال می‌شوند که نشان از دو گروه از این قرار دادها است که حاوی تفاوت‌های مهمی هستند. قرارداد واگذاری مستلزم اعراض از تمامی حقوق از طرف دهنده می‌باشد و گیرنده می‌تواند فرآیند انتقالی را به گونه‌ای که مناسب وی است اجرا نموده و در معرض هیچ گونه محدودیتی از نظر زمان، مکان یا قلمرو تولید نباشد، علاوه بر آنکه هیچ مسئولیتی در خصوص مواظبت و احتیاط متوجه وی نیست.^۱ خصوصیت دیگر واگذاری در این واقعیت نهفته است که طرفین روابط حقوقی دایمی بین خود ایجاد می‌کنند. در عین حال، در مورد شیوه پرداخت بهای آن با قطعیت اظهار نظر می‌شود و مبلغ قرارداد به صورت قطعی معین می‌شود. در حالی که در لیسانس دانش فنی بهای

²Steinmann, 1991, p1

³Deleuze, 1982, n10; Delacollette, 1996, p 56

¹petitpierre, 1988. p 507



قرار داد اغلب به صورت اقساطی پرداخت می‌شود. با این وجود، مواردی هم پیدا می‌شود که پرداخت در واگذاری به صورت اقساط و در لیسانس به صورت قطعی است.^۲ به عنوان نمونه، قراردادهایی وجود دارند که به گیرنده حق استفاده نامحدود داده می‌شود و این مثل این است که دهنده، حق خود نسبت به دانش فنی را حفظ نموده است. بنابراین، از جهت عدم محدودیت زمانی این قرارداد شبیه به واگذاری و از جهت حفظ حق دهنده شبیه به لیسانس است. گر چه بعضاً اصطلاح واگذاری را در مورد چنین قراردادهایی به کار می‌برند، ولی بهتر است در کنار لیسانس و واگذاری، دسته سومی از قراردادهای دانش فنی را تحت عنوان «قرار داد مبادله دانش فنی» تعریف کرد تا از واگذاری به جهت انتقال حق و از لیسانس به واسطه اعطای موقت حق انتفاع تمیز داده شود. گیرنده لیسانس که برای اجرای دانش فنی اعلام آمادگی می‌نماید، اغلب متحمل خطرات و هزینه‌های سنگینی می‌شود. به همین دلیل، همواره در صدد است تا از یک شرط انحصاری برخوردار گردد، زیرا شرط مذکور به وی این اطمینان را خواهد داد که حاصل کارش را بدون مواجه شدن با یک رقیب از جانب دهنده و یا از جانب سایر گیرندگان احتمالی لیسانس، برداشت نماید (همان منبع پیشین). انحصار عموماً به یک منطقه خاص و معین محدود می‌شود و گیرنده در آن مناطق جغرافیایی مشخص با سایر گیرندگان مواجه نمی‌شود. این تضمین اغلب با تعهد گیرنده به این که در هیچ صورت در خارج از منطقه خود با محصولات یا محمولاتی که به کمک دانش فنی ساخته تجارت نخواهد کرد، همراه می‌گردد.^۱ انحصار می‌تواند به صورت انفرادی یا کلی باشد. انحصار کلی زمانی تحقق می‌یابد که دهنده نه تنها تعهد می‌نماید لیسانس را به سایرین در محدوده مشخص در قرار داد اعطاء نکند، بلکه همچنین متعهد می‌شود که خودش نیز بهره برداری ننماید؛ انحصار انفرادی زمانی است که دهنده عدم اعطای لیسانس به سایر افراد را در منطقه مزبور تعهد می‌نماید، بدون این که به عدم بهره برداری شخص خود متعهد گردد. در صورت ابهام و سکون قرارداد، فرض بر

^۲steinmann, 1991, p 25

^۱Deleuze, 1982, n67



اینست که طرفین روی انحصار کامل توافق نموده‌اند.^۲ در صورتی که شرط انحصار در قرارداد قید نشده باشد، به آن لیسانس ساده اطلاق می‌شود. در صورت سکوت قرارداد، فرض بر انحصاری بودن نیست و در موارد تردید، دهنده می‌تواند از دانش فنی بهره برداری نماید و با لیسانس آن را به کسی که مد نظرش است اعطاء نماید. با این وجود، تعداد زیادی از نویسندگان معتقدند که، دهنده حق ندارد تعداد زیادی لیسانس مجانی اعطا نماید (همان منبع پیشین). آنچه از این استدلال‌ها بر می‌آید، می‌توان گفت که از دغدغه حفظ ویژگی محرمانگی دانش فنی نشات می‌گیرد.

بخش سوم: ماهیت حقوقی قرارداد دانش فنی

دانش فنی یکی از حقوقی است که برای دارنده آن ایجاد مالکیت می‌نماید و به تبع آن امکان انتقال آن وجود دارد. اما با این وجود ماهیت آن به دلیل خاص بودن ذات و ماهیت خود دانش فنی مبهم است. برای تشخیص مطابقت قرارداد دانش فنی با یکی از عقود معین باید به آثار این دو توجه نمود و با تحلیل آنها مشخص کرد که آیا دانش فنی واقعاً یک عقد بیع، اجاره، و با ... است یا نه این قرارداد دارای یک ماهیت مستقل می‌باشد و اساساً جزء عقود غیر معین است و در حیطه ماده ۱۰ قانون مدنی تفسیر می‌گردد. در ذیل بحث بطور جداگانه قیاس قرارداد دانش فنی با دیگر عقود را بررسی را خواهیم کرد و مقررات آنها را مورد مقایسه قرار می‌دهیم.

بند اول: قرارداد انتقال (واگذاری) دانش فنی و قرارداد بیع

ماده ۲۳۸ قانون مدنی ایران عقد بیع را به تبعیت از فقهای امامیه «تملیک عین به عوض معلوم» می‌داند. نکته‌ای که در این تعریف برای بحث حاضر از اهمیت زیادی برخوردار است کلمه «عین» است که در اکثر قوانین داخلی و بین المللی راجع به بیع تحت عنوان «شی» از آن یاد می‌شود. در بادی امر به نظر می‌رسد که با این تعریف معامله اشیای غیر مادی از شمول عقد بیع خارج است. با این وجود، رویه قضایی و دکترین حقوقی در برخی کشورها، بیع حقوق عینی

²Ralph Schlosser, 1996, p 98



را به رسمیت شناخته است. به گفته فقها، بیع نه حقت شرعیه دارد و نه حقیقت منشر عد، بلکه دارای حقیقت عرفیه است (انصاری، ۱۳۶۷، ص ۷۹). بنابراین، بیع اموال غیر مادی از جهت عرفی داخل در مفهوم بیع و خرید و فروش است ولی این که موضوع این خرید و فروش‌ها عین خارجی نیست. بدین جهت برخی از فقها، تصریح کرده‌اند که از نظر عرف و لغت بیع منافع و حقوق بیع تلقی می‌شود اگر چه از جهت شرعی بیع آنها باطل باشد (امام خمینی، ۱۳۷۹، ص ۱۶؛ قدیری، ۱۴۱۸، صص ۷ و ۸). از آنجا که برای به دست آوردن مفهوم بیع باید به عرف متمسک شد، استناد به اجماع، تسالم اصحاب، عدم خلاف و انصراف ادله یا شک در اطلاق آنها جهت اثبات لزوم عینیت میباید خالی از وجه خواهد بود (امام خمینی، همان، ص ۱۵). برخی دیگر از فقها، بیع خدمت عبد مدبر را از قبیل بیع منافع دانسته و گفته‌اند که دلیلی بر مجازی بودن اطلاق بیع بر منافع وجود ندارد، اگر چه اطلاق بیع منصرف از بیع منافع است و بیع سنای دار و اراضی خراجیه را شبیه‌ترین چیز به بیع سرفقلمی دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۳ ق، ص ۲۳). از نظر ایشان، «بیع دانش فنی، به شرط اینکه حد و حدود و شرایط آن روشن شود، مانعی ندارد و از قبیل بیع منافع است و حق این است که بیع اختصاص به اعیان ندارد و بیع منافع هم نوعی بیع است» (صابری، ۱۳۸۷، ص ۸۶). برخی فقهای دیگر گرفتن پول و مزایا را در ازای آن صحیح می‌دانند اما آن را بیع تلقی نمی‌کنند (همان). از نظر حقوقی برخی از حقوقدانان معتقدند که اموال غیر مادی را هم باید در مفهوم بیع گنجانند، چنانکه در عرف محاوره هم انتقال حق در برابر عوض را فروش گویند، لذا گفته‌اند که باید رویه قضایی را به سویی کشاند که انتقال مالکیت حق و اموال غیر مادی نیز در تعریف بیع بگنجد و قید و عینة تنها برای خروج اجاره از تعریف به کار رود (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ص ۴۲). برخی نویسندگان نیز کلمه «عین» را در مقابل منفعت و اعم از اموال مادی و غیر مادی می‌دانند (قاسم زاده و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۱۳۳-۱۳۴). برخی دیگر، معتقدند قانونگذار در موارد فراوان پایبند به ماده ۳۳۸ قانون مدنی نبوده است و عین بودن میباید را عنصر سازنده بیع نمی‌شمرد، بنابراین، بیع اختصاص به تملیک اعیان ندارد (جعفری لنگروی، ۱۳۷۹، ص ۲۶۵-۲۶۴). در حقوق انگلیس، مطابق بند ۱ ماده ۲، قانون بیع کالا، میباید کالا باشد. منظور از کالا مطابق بند ۱



ماده ۶۱ همان قانون، تمامی اموال شخصی (منقول) به غیر از اموال غیرمادی و پول است. این اصطلاح منافع حاصله از زمین مزروعی، محصولات زیر کشت صنعتی و اموالی که به زمین متصل بوده یا بخشی از آن را تشکیل می‌دهد و توافق شده قبل از وقوع بیع یا به موجب عقد بیع، از آن جدا شود را شامل می‌گردد^۱. بدین ترتیب، اموال غیرمادی مانند اوراق سهام، بدهی، برات‌ها، حق امتیازها، حق طبع و علامات تجاری و سایر حقوق دینی نمی‌توانند مشمول قانون مزبور شوند^۲. در مورد دانش فنی که مسلماً از اموال غیرمادی محسوب می‌شود، هرچند برخی معتقدند که می‌توان این موارد را بیع تلقی کرد، شمار زیادی از نویسندگان تردید دارند در این که یک چنین ارتباطی را بتوان برقرار نمود، زیرا حق شخصی در این خصوص وجود ندارد^۳. حتی در صورتی که مشکل اعینه بودن حل شود، تجزیه و تحلیل قرارداد دانش فنی نشان می‌دهد که این قرارداد به ملاحظات زیر با بیع مطابقت کامل ندارد. اولاً، تنها واگذاری دانش فنی است که می‌تواند با بیع مقایسه شود^۴ و لیسانس دانش فنی با بی تفاوت اساسی دارد زیرا در لیسانس مالکیت دانش فنی به گیرنده اصلاً منتقل نمی‌شود و وجه مشترکی با بیع وجود ندارد. همین اشکال در مورد قراردادهای مبادله دانش فنی نیز صدق می‌کند که در آنها حق انتفاع بدون محدودیت زمانی داده می‌شود اما دهنده برخی حقوقش را حفظ می‌نماید. ثانیاً، در بیع تعهد فروشنده به تحویل کالا محدود می‌شود، در حالی که در دانش فنی دهنده اغلب باید آن را با ارائه کمک‌ها اجرایی کند. البته برخی از نویسندگان معتقدند با توجه به این که این مقوله در قراردادهای دانش فنی امری فرعی است، لذا نمی‌تواند مانعی جهت تشابه این در قرارداد قلمداد گردد (همان منبع پیشین، ص ۹۲). ثالثاً، در دانش فنی اسرار تجاری و فنی از اهمیت بسزایی برخوردار است و در نتیجه تعهدات دراز مدتی را از قبیل تعهد محرمانگی، تعهد عدم بهره برداری بر دهنده بار می‌کند. در صورتی که در بیع، با بیع پس از انتقال مبیع تکلیفی در خصوص مبیع نخواهد داشت. رابعاً، اجرای دقیق مقررات ضمان عبوب کالای فرخته شده و

¹Chitty, 1968, p1

²Benjamin, 1997, p 66

³Dessementet, 1974, p.16

⁴Ralph Schlosser, 1996, p 88



اعمال خیارات مخصوص عقد بیع به سختی قابل تطبیق بر قرارداد دانش فنی می‌باشد (شیروی و سربازیان اسفند آباد، ۱۳۹۰، ص ۲۶۱). علیرغم اختلافات مذکور، شباهت‌هایی بین بیع و قرارداد واگذاری دانش فنی وجود دارد. در هر دو قرارداد، دهنده تمامی حقوق مالکیتی را از دست می‌دهد، به طوری که گیرنده می‌تواند هر طور که صلاح می‌داند در موضوع قرار داد تصرف نماید. علاوه بر این، در هر دو قرارداد یک هدف اقتصادی دنبال می‌شود، مبادله مال در مقابل قیمت^۱. و بالاخره این که هیچ کدام برای گیرنده محدودیت زمانی ندارد.

بند دوم: قرارداد انتقال (لیسانس) دانش فنی و اجاره

گروهی از فرانسویان، بر این عقیده پافشاری می‌کنند که قرارداد دانش فنی را با آثار شاخص و اصلی آن مورد بررسی قرار دهند. آنان معتقدند که در این قرارداد صاحب دانش فنی و در واقع منتقل کننده آن می‌بایست شیئی که همان دانش فنی است را در اختیار طرف دیگر قرار داد بگذارد و در ازای آن مبلغی دریافت کند و این با قرارداد اجاره مطابقت دارد. از دیدگاه این نویسندگان در صورت فقدان شرط، رژیم حقوقی مندرج در قانون مدنی فرانسه در خصوص اجاره اشیاء که تعهد تضمین بسیار سنگینی را به عهده منتقل کننده می‌گذارد، اعمال می‌شود که این تعهد در عمل مشابه تعهد فروشنده می‌باشد^۲. با این وجود، تشابه بین این دو مانع از تفاوت‌هایی نیست که میان این دو قرارداد به چشم می‌خورد. در اینجا باید گفت قرارداد لیسانس دانش فنی که اصل در آن استفاده از و انتفاع از آن است شباخت بیشتری در این خصوص دارد تا انتقال دانش فنی، چراکه انتقال دانش فنی همانند انتقال کامل عین و منفعت یک مال می‌باشد نه اجاره صرف آن. و اما تفاوت‌های دانش فنی با عقد اجاره اینکه اولاً، ویژگی محرمانگی دانش فنی مستلزم اعتماد خاصی میان دو طرف قرارداد است و این ویژگی در قرارداد اجاره مد نظر قرار نمی‌گیرد. ثانیاً، قرارداد لیانس دانش فنی با یکسری از تعهدات خدمت‌مندی همراه می‌باشد که این نیز در قرارداد اجاره دیده نمی‌شود. البته عده‌ای هستند که این

¹Chavanne Albert, 2006, P 535

²Maelis, 2001, p 82



تعهدات را فرع بر قرارداد لیسانس دانش فنی می‌دانند و تفاوت را از این نظر مهم تلقی نمی‌کنند.^۱ ثالثاً، به عکس قرارداد لیسانس، قرارداد اجاره یک قرار داد انحصاری محسوب می‌شود در حالی که لیسانس دانش فنی می‌تواند انحصاری و یا غیر انحصاری باشد. رابعاً، مقررات راجع به اختتام قرارداد اجاره به هیچ وجه با قرار داد لیسانس تناسب ندارد و پایان دادن به قرارداد دانش فنی مستلزم ترتیبات خاصی است (شیروی و سربازیان اسفند آباد، ۱۳۹۰، ص ۲۶۲). خامساً، قرارداد اجاره مستلزم وجود یک نوع حق شخصی بر مال الاجاره است، در حالی که چنین حقی به نفع دارنده دانش فنی کلاً منتفی است.^۲ لذا هر چند بتوان در مواردی از مقررات اجاره برای لیسانس دانش فنی و حدت ملاک گرفت، اما قرار داد لیسانس دانش فنی مستقل از قرارداد اجاره است و نمی‌توان آثار و احکام اجاره را بر آن بار کرد، همچنان که برخی کشورهای دیگر نیز به همین نتیجه رسیده‌اند

بخش چهارم: قرارداد انتقال دانش فنی و برقراری حق انتفاع

تعداد کمی از نویسندگان متمایل به مقایسه و تشبیه قرار داد لیسانس دانش فنی با برقراری حق انتفاع هستند.^۱ مطابق ماده ۴۰ قانون مدنی ایران، «حق انتفاع عبارت از حقی است که به موجب آن شخص می‌تواند از مالی که عین آن ملک دیگری است یا مالک خاصی ندارد استفاده کند». در حقوق برخی از کشورها نظیر سوئیس حق انتفاع نه تنها شامل اشیای ملموس و مادی بلکه شامل حقوق نیز می‌شود (همان). اما مطلقاً نمی‌توان به قیاس این دو پرداخت چه اینکه اولاً تفاوت‌هایی که قبلاً در مورد اجاره با قرارداد دانش فنی گفته شد در این جا نیز وجود دارد. حتی اگر لیسانس دانش فنی را با انتقال حق انتفاع بررسی نماییم باز هم این دو متفاوت خواهند بود. چرا که در لیسانس دانش فنی امکان انتفاع دو طرف وجود دارد در حالی که در حق انتفاع فقط منتفع است که حق انتفاع را گرفته است. هم چنین در لیسانس دانش فنی یک اعتماد خاصی وجود دارد که ممکن است به جهت تخصصی بودن آن باشد اما در حق

¹Hart Tina, 2006 p 49

²Ralph Schlosser, 1996, p 102

³Maelis Vincent, 2001, p 66



انتفاع این ملاک وجود ندارد. دیگر اینکه برخی از حقوقدانان واگذاری حق انتفاع از دین و حقوق معنوی را مشمول عنوان حق انتفاع ندانسته و آن را بر اساس ماده ۱۰ ق.م قابل بررسی دانسته‌اند (کاتوزیان، ص ۲۰۸).

بند اول: قرارداد انتقال دانش فنی و وکالت

قرارداد وکالت در مورد تحقق اعمال و فعالیتها منعقد می‌شود و در مورد انتقال اشیاء با حقوق مصداق پیدا نمی‌کند. به عبارتی اثر اصلی تعهد به انجام نمودن اعمالی با توجه به اوامر موکل می‌باشد. لذا مسلماً می‌دانیم که در این قرارداد نقل و انتقالی اعم از عین یا منفعت انجام نمی‌شد. این در حالیست که موضوع قرارداد دانش فنی با انتقال اطلاعات (در واگذاری دانش فنی) و یا اجازه بهره برداری از اطلاعات مزبور (در لیسانس دانش فنی) است. با این وجود برخی تعهدات مربوط به قرارداد دانش فنی وجود دارد که مشابه تعهد انجام کار می‌باشد. برای نمونه می‌توان به تعهداتی اشاره نمود که تحت شمول کمک‌های فنی قرار می‌گیرند که این قبیل تعهدات در قالب قراردادهای آموزش تجلی پیدا می‌کنند قراردادهایی که توسط برخی به قراردادهای وکالت یه شده‌اند^۱. برخی از تشابهاتی که میان قرارداد دانش فنی و وکالت وجود دارد عبارتند از: هر دو قرارداد تعهد به فعل هستند نه نتیجه، مگر پاره‌ای تضمینات صریح که در قرارداد دانش فنی دیده می‌شود؛ قرارداد وکالت مستلزم نوعی اعتماد میان طرفین است که این امر جزء لاینفک قرارداد دانش فنی نیز است، قرارداد وکالت حاوی شرط ضمنی رعایت احتیاط و مصلحت می‌باشد که مشابه آن در قرارداد دانش فنی نیز وجود دارد. با وجود تشابهات مزبور تفاوت میان این دو قرارداد بیش از آن چیزی است که بتوان قرارداد دانش فنی را نوعی وکالت قلمداد نمود. عمده این تفاوت‌ها عبارتند از اینکه، همانطور که پیشتر گفتیم قرارداد دانش فنی مستلزم انتقال عین یا منفعت دانش فنی می‌باشد به عبارتی همانند قرارداد وکالت انجام تعهد نمی‌باشد. بلکه با قرارداد معین گیرنده از عین یا منفعت دانش فنی استفاده می‌کند. دیگر اینکه قرارداد وکالت عقدی جایز است اما به نظر می‌رسد قرارداد دانش فنی از

¹Maelis Vincent, 2001, p 14



عقود لازم است و این از اصل لزوم قراردادهای نیز هویدا است. هم چنین قرارداد و کالت بیشتر به نفع موکل منعقد می‌شود، در حالی که قرارداد دانش فنی قراردادی است که به نفع هر دو طرف بسته می‌شود و هر کدام نفع متناسب خود را پیگیری می‌نمایند.^۲

بند دوم: قرارداد انتقال دانش فنی و ماده ۱۰ قانون مدنی

عقود گاهی بصورت معین صورت می‌گیرد یا به نحوی می‌باشد که در حیطه مقررات یک عقد معین می‌باشد. اما گاهی نیز بصورت کاملاً غیر معین که اساس و مقررات آن با توافق و رضای طرفین بنا نهاده می‌شود و فقط قواعد عمومی قراردادهای در آنها حاکم است که مسلماً قواعد عمومی و اساسی بر تمام عقود حتی عقود معین حاکمیت دارد. چه اینکه نظم دهنده و اعتبار دهنده به عقود همان قواعد اساسی‌ای می‌باشد که تشکیل و ضمانت اجرای یک قرارداد را معین می‌نماید. جدا از توضیحات اضافی، قرارداد انتقال دانش همانطور که هم در لیسانس و هم در واگذاری بررسی کردیم از وضعیت خاصی پیروی نمی‌کند. به عبارتی دارای شرایطی خاص می‌باشد نمی‌توان در زیر عنوان خاصی مبنای انتقال آن را مطرح کرد. لذا ماده ۱۰ قانون مدنی بعنوان اصل آزادی قراردادهای بهترین ملاک برای مبنای قرارداد دانش فنی می‌باشد. ماده مذکور مقرر داشته: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است». قراردادهای خصوصی اشاره گر آزادی قراردادهای می‌باشند. باید توجه داشت منظور از قراردادهای، قراردادهایی هستند که مشروع می‌باشند و نه هر قراردادی با هر انگیزه‌ای. دانش فنی نیز از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. در صورتی اساساً مالیت داشته و مورد حمایت قانون قرار می‌گیرد که دارای مبنای و ذات مشروع باشد. اصل لاضرر بعنوان یک قاعده فقهی جامع در این مورد نیز جاری می‌باشد. و هر زمان که ضرری از قرارداد به فردی برسد و البته این ضرر ناعادلانه باشد، قاعدتاً سبب نامشروع شدن قرارداد می‌شود. علاوه بر اینکه ذات دانش قرارداد باید مشروع باشد، جهت آن نیز باید مشروع

^۲Ralph Schlessler, 1996, p 110



باشد. این در بند ۴ ماده ۱۹۰ قانون مدنی نیز مقرر شده است. لذا انتقال دانش فنی با وجود شرایط اساسی صحت قراردادها، مطابق ماده ۱۰ ق م مورد حمایت خواهد بود.

بخش پنجم: تمایز قرارداد دانش فنی از قراردادهای مشابه

بند اول: قرارداد دانش فنی و قرارداد انتقال تکنولوژی

انتقال تکنولوژی عبارتست از این که شخصی طرف قراردادی خود را در موقعیت کنترل و بهره برداری از یک فرآیند تولید با مدیریت قرار دهد.^۱ اصطلاح تکنولوژی به مجموعه‌ای از اطلاعات با مهارت‌های فنی اطلاق می‌گردد که برای تولید محصول با بهره برداری صنعتی از آن اطلاعات داده شده، مورد استفاده واقع می‌شود.^۲ در اینجا لغت انتقال به گونه‌ای وسیع مورد نظر قرار گرفته و شامل انتقال (موقت یا دائم) یک حق یا یک آگاهی (لیسانس اختراع، قرارداد دانش فنی، فروش مواد اولیه)، معلومات راجع به یک فن یا یک مهارت (مساعدت فنی، آموزش تخصصی، اجرای تعهد ارائه خدمات مهندسی، قرارداد کلید در دست می‌گردد).^۳

بند دوم: قرارداد دانش فنی و قرارداد مساعدت فنی

مساعدت فنی عبارتست از مجموعه اقداماتی که به واسطه آنها فردی به دیگری کمک‌های لازم جهت تولید محصول با بهره برداری از آن را ارائه می‌نماید. مساعدت فنی در واقع خدمات فنی است که از سوی مخترع برای پشتیبانی از فعالیت‌های تجاری سازی که توسط دریافت کننده حق اختراع صورت می‌پذیرد، ارائه می‌گردد. چنانچه در قراردادی ارائه کمک‌های فنی قید شده باشد، مخترع ملزم است تا در توسعه فعالیت‌هایی که تعیین آنها قبل یا بعد از شروع عملیات بهره برداری و به صورت صریح امکانپذیر نیست، به دریافت کننده کمک نماید. این موارد به عنوان نمونه، شامل مواردی نظیر طراحی مجدد و توسعه، اجرای آزمایشات، پیگیری اخذ مجوز قانونی و فعالیت‌های تولیدی خواهد بود. بنابر این، وجه تمایز

^۱Deleuze, 1982, p 76

^۲p 25, M - Z. Brooke, 1994

^۳Ralph Schlosser, 1996, p 36



مساعدت فنی از دانش فنی در این است که مساعدت فنی را نمی‌توان از قبل تعیین نمود.^۱ این مساعده‌ها و کمک‌ها در اغلب موارد نقش مهمی در اجرای قرارداد دانش فنی ایفا می‌کنند و در حقیقت یکی از روش‌های مبادله دانش فنی به حساب می‌آیند، به طوری که طرفین برای مواردی که دانش فنی از پیچیدگی برخوردار است و نیاز به مهارت شخصی دارد، این گونه کمک‌ها را در قرارداد پیش‌بینی می‌کنند.^۲ البته در مواردی هم که بخواهند دانش فنی را با نیازهای گیرنده تطبیق دهند، از این گونه مساعده‌ها استفاده می‌شود.^۳ در هر حال، به توافقی که طی آن مساعدت فنی ارائه می‌گردد، قرارداد خدمات گفته می‌شود که هدف از آن انجام عمل می‌باشد. در حالی که قرارداد دانش فنی اصولاً با هدف انتقال یا اعطای حق بهره‌برداری و به صورت کلی با هدف خاص صورت می‌پذیرد. روش پرداخت در دو قرارداد نیز متفاوت است. در انتقال دانش فنی بهای قرارداد معمولاً مقطوع است و در لیسانس دانش فنی بهای قرارداد معمولاً به صورت حق امتیاز پرداخت می‌گردد، در صورتی که حق الزحمه تأمین‌کننده مساعدت اغلب به صورت ساعتی یا روزانه داده می‌شود.^۴

بند سوم: قرارداد دانش فنی و قرارداد مهندسی

موضوع قراردادهای مهندسی در مفهوم عام تعهداتی است که به تحقق یا انتقال تجهیزات صنعتی منجر می‌شود. اما به معنای دقیق، تنها آنچه را که مهندسی مشاور می‌گویند، در بر می‌گیرد که شامل وظایف مربوط به ایجاد یک مجموعه فنی است.^۵ وظایف مهندس مشاور مختلف و متنوع می‌باشد که از جمله شامل انجام مطالعات اولیه، طراحی اولیه و تفصیلی، تهیه اسناد مناقصه، ایجاد طرح‌های جزئی، فراهم نمودن مشخصات کالاهای مورد نیاز، انجام سفارشات مواد اولیه، هدایت کارها و عملیات‌های مربوط به ارائه خدمات و کنترل و نظارت بر

¹Deepak Hegde, 2010, pp18 - 19

²Jerome Dupre, 2001, p 6

³Steinmann Thomas, 1991, p.84

⁴ONLIDI, 1981, P 5 & Hubert A./Mark, 1982, p.16

⁵Ralph Schlosser, 1996, p 41 & Hubert, n 19



اجرای فعالیت‌های پیمانکاری است که در تمام طول اجرای کارها، به پیمانکار اجرایی مشاوره می‌دهد.^۱ هدف مهندسی عموماً تحویل کار به کارفرما می‌باشد در حالی که هدف قرارداد دانش فنی دادن آگاهی به طرف دیگر قرارداد است. البته ممکن است مهندس در راستای اجرای کار خود مجبور باشد اطلاعاتی را به کارفرما منتقل نماید ولی در اغلب موارد انجام کار بدون انتقال دانش و یا صرفاً با آموزش‌های بهره‌برداري همراه است.^۲ علاوه بر این، به ندرت اتفاق می‌افتد که اطلاعات مورد استفاده مهندس مشاور محرمانه باشد. در صورتی در قرارداد مهندسی، مهندس مشاور موظف شود که دانش فنی مربوط را به کارفرما منتقل نماید، در این صورت با قراردادی مختلط مواجه خواهیم بود.^۳

بخش ششم: قرارداد دانش فنی با قرارداد کلید در دست

قرارداد کلید در دست قراردادی است که به موجب آن یکی از طرفین ملزم می‌گردد پروژه‌ای را از طراحی اولیه تا حد بهره‌برداری، اجرا و تحویل انجام داده و کلید پروژه را قابل استفاده به طرف دیگر تحویل دهد و گیرنده نیز در مقابل پرداخت مبلغ مشخصی را به پیمانکار تعهد می‌نماید (همان منبع پیشین). تعهداتی که بر پیمانکار کلید در دست بار می‌گردد، همان تعهدات مهندس به مفهوم کامل از قبیل اجرای مطالعات مهندسی و طراحی، تأمین مواد اولیه و ماشین‌آلات و نهایتاً ساخت پروژه می‌باشد^۴ بیان این مطلب نیز حائز اهمیت است که این کارها معمولاً توسط کارکنان پیمانکار و یا پیمانکاران فرعی وی انجام می‌پذیرد (همان منبع پیشین، نکته شماره ۸۶۴). در برخی از مواقع به منظور کاستن از نواقص تولید، قراردادهای محصول در دست با آماده منعقد می‌شود که بجای تأکید روی انجام کامل پروژه روی تولید محصول نهایی مطلوب تمرکز می‌شود. در اینجا، پیمانکار تنها به عملکرد خوب پروژه اکتفا نمی‌کند، بلکه باید امکان بهره‌برداری دریافت‌کننده و رسیدن به محصولات مورد نظر را نیز تضمین

^۱ralph Schlosser, 1996, p 52

^۲Gaudin Jacques Henri, 1993, p 15

^۳Ralph Schlessler, 1996, p 82

^۴Jehl Joseph, n863



نماید^۱. تفاوت عمده این نوع قراردادهای با قراردادهای دانش فنی در این است که در این قراردادهای ارائه یک طرح کامل با امکان تولید محصول مورد نظر هدف اصلی است، در حالی که در قراردادهای دانش فنی هدف انتقال معلومات و تجربیات به طرف دیگر است تا وی بتواند خود از اطلاعات مزبور در جهت افزایش کمیت یا کیفیت تولید بهره‌مند شود. درست است که شمار زیادی از قراردادهای کلید در دست متضمن نوعی انتقال تکنولوژی است، اما این پدیده اغلب در چارچوب قراردادهای محصول آماده و به ویژه طی دوره آموزش پرسنل دریافت‌کننده صورت می‌پذیرد^۲.

بند اول: قرارداد دانش فنی و قرارداد فرانسیز

قرارداد فرانسیز، قراردادی است که به موجب آن از یک سو (فرانسیز دهنده) به طرف دیگر (گیرنده) اطلاعاتی می‌دهد که وی را در موقعیت فروش (بعضاً تولید) برخی کالاها یا ارائه برخی خدمات قرار می‌دهد و از سوی دیگر به وی حق استفاده از علائم مشخص و ملصق به این اموال با خدمات را اعطا می‌نماید؛ در مقابل، گیرنده فرانسیز متعهد به پرداخت مابه‌ازا و اجرای سایر تعهدات فرعی می‌گردد (همان منبع پیشین). بنابراین، تعهدات فرانسیز دهنده به دو دسته تقسیم می‌شود: اول آن که اطلاعات ضروری از طریق لیسانس برگه اختراع، طرح‌ها و مدل‌ها و همچنین دانش فنی به گیرنده فرانسیز ارائه می‌شود. دوم این که فرانسیز دهنده به طرف مقابل اجازه استفاده از علائم، مارک، نام تجاری، علامت، نشان محصولات یا بسته‌بندی می‌دهد که متعلق به فرانسیز دهنده است. فرانسیز گیرنده نیز تعهد به پرداخت قیمت‌ها، رعایت دستورالعمل‌های راجع به روش فروش اموال و ارائه خدمات، عرضه کالاها و وضعیت اجاره و پرسنل یا حتی آرم تبلیغات را خواهد داشت. ضمناً، قرارداد فرانسیز مستلزم آن است که گیرنده به نام خود و به حساب خود عمل نماید^۱. هرچند در قراردادهای فرانسیز، وضعیت به صورتی است که تقریباً همواره انتقال اطلاعات فنی با تجاری وجود دارد، اما این گونه قراردادهای

^۱Gavin Clarkson, 2001, p.728

^۲Hart Tina, 2006, p.238

^۱Ralph Schlosser, 1996, p.74



جهت این که تعهدات دیگری را در نیز بر دارد از قرارداد دانش فنی متمایز می‌شود. مثلاً تعهد به انتقال علایم مشخص و تعهد گیرنده به تطبیق با دستورالعمل‌های فرانشیز دهنده مخصوص قرارداد فرانشیز است و در قرارداد دانش فنی وجود ندارد. علاوه بر آن، فرانشیز دهنده ممکن است از انتقال دانش فنی خود به فرانشیز گیرنده امتناع کند و تنها آن دسته از آگاهی‌ها را به وی منتقل نماید که وی بتواند کالا و خدمات مورد نظر را ارائه نماید.

بند دوم: قرارداد دانش فنی و قرارداد تحقیقاتی

در یک مفهوم عام، قرارداد تحقیقاتی به قراردادی گفته می‌شود که به منظور کشف راه‌حلها در حوزه فنی با علمی بین محقق و کارفرما منعقد می‌شود. البته، این تحقیقات ممکن است به کشف فناوری با دانش فنی منجر شوند، به گونه‌ای که مبادله نتیجه حاصل از تحقیقات با اجرای قرارداد دانش فنی تلاقی خواهد داشت. در زمان انعقاد قرارداد تحقیقاتی، حاصل کار برای دو طرف ناشناخته است در حالی که موضوع قرارداد دانش فنی برای دهنده شناخته شده است. گرچه برخی از قراردادهای دانش فنی به اکتشاف اطلاعات مورد نظر توسط دهنده منجر می‌شود، اما این گونه قراردادهای تحقیقاتی متمایز می‌باشند، زیرا در قراردادهای دانش فنی پرداخت موکول به تحقق نتیجه است ولی در قراردادهای تحقیقاتی حتی اگر تلاش‌های محقق به نتیجه نرسد پرداخت صورت می‌پذیرد. در عمل ممکن است قراردادی هم ویژگی‌های قرارداد تحقیقاتی و هم قرارداد دانش فنی را داشته باشد که در واقع نوعی قراردادی مختلط است. به عنوان نمونه، زمانی که دهنده دانش فنی در کنار تعهدش برای ارائه دانش فنی موجود، متعهد به انتقال اطلاعاتی می‌شود که هنوز برایش کشف نشده است و در نتیجه تحقیقات آتی بدست می‌آورد. هم چنین ممکن است موردی باشد که دهنده، فنی را که هنوز به اندازه کافی تکمیل نشده را منتقل نماید و معتقد شود که تحقیقات بیشتری انجام داده و نتیجه را در اختیار گیرنده قرار دهد (همان منبع پیشین).



نتیجه گیری

دانش فنی بعنوان یکی از اقسام اموال غیر مادی در حقوق شناخته شده است. مال نامیدن دانش فنی هیچ گونه منافاتی غیر مادی بودن ندارد. چه اینکه گاه‌ها هوا (اکسیژن) نیز بعنوان یک مال در نظر گرفته می‌شود. مال چیزی است که مالیت داشته باشد. به زبان ساده مال باید ارزش اقتصادی، داد و ستدی و هر نامی که مصداق اینها باشد را دارا باشد. قبل از این لازم است تاکید شود که دانش فنی ملک می‌باشد و در مالکیت صاحب آن قرار دارد. لذا وارد کردن علاقه‌هایی مانند انتفاع اساساً اشتباه می‌باشد که استدلال‌های در بطن مقاله بررسی شده است. مالیت داشتن دانش فنی علاوه بر اینکه دارای ارزش اقتصادی می‌باشد هر چند این ارزش در میان افراد یا حرفه خاصی باشد، دارای زمینه مشروع و عقلایی نیز می‌باشد. مگر اینکه خلاف آن ثابت شود که این اثبات خلاف برای تمام اموال نیز جاری است و یک اصل طبیعی می‌باشد. صاحب دانش فنی با استعانت به مالک بودن خویش می‌تواند تمام انتفاعات مشروع در ملک خود را انجام دهد. که نمونه‌ی بارز آن انتقال دادن دانش فنی می‌باشد. انتقال دانش فنی گاه‌ها صرفاً بصورت لیسانس انجام می‌شود. به عبارتی دانش فنی خود همواره در تملک صاحب آن است اما منفعت و بهره‌بری از آن به دیگری واگذار می‌شود که در این صورت خود مالک دانش فنی نیز از آن بهره‌مند خواهد بود. انتقال گاه‌ها بصورت فروش که به واگذاری مشهور است انجام می‌شود. در واگذاری دانش فنی، صاحب دانش فنی بصورت کامل آن را به دیگری گویا می‌فروشد و دیگر حقی بر آن دانش ندارد و هر چند باید گفت آن ذهن و تفکرات قابل انتقال نیستن اما به هر حال دانش فنی بعنوان زائیده فکری که از ذهن خارج شده و عرضه می‌شود، قابل انتقال است.



منابع و مأخذ

- ۱- انصاری، شیخ مرتضی - المکاسب - تبریز: انتشارات تقی علامه - چ ۲ - ۱۳۶۷
- ۲- جعفرزاده، میر قاسم - جزوه درسی درآمدی بر حقوق آفرینش‌های فکری - دانشکده حقوق - دانشگاه شهید بهشتی - ۱۳۸۳
- ۳- جعفرزاده، میر قاسم و محمودی، اصغر - شرایط ماهوی حمایت از اختراعات از نگاه رویه قضایی و اداره ثبت اختراعات - مجله تحقیقات حقوقی - دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی - ش ۴۲ - ۱۳۸۴
- ۴- جعفری لنگرودی، محمد جعفر - حقوق اموال - چ ۵ - تهران: انتشارات گنج دانش - ۱۳۸۰
- ۵- جعفری لنگرودی، محمد جعفر - الفارق - چ ۴ - انتشارات گنج دانش - ۱۳۸۶
- ۶- حبیب، سعید - چالش‌های جدید حقوق مالکیت فکری - فصلنامه حقوق - مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی - دور ۳۷ - ش ۴ - ۱۳۸۶
- ۷- خمینی، روح الله - کتاب البیع - ج ۱ - تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی - چ ۱ - ۱۳۷۹
- ۸- دیوان داوری دعاوی ایران (لااه) - فرهنگ اصطلاحات حقوقی انگلیسی به فارسی - تهران: نشر یلدا - چ ۳ - ۱۳۷۲
- ۹- شهیدی، مهدی - تشکیل قراردادها و تعهدات - تهران: نشر حقوقدان - ۱۳۷۷
- ۱۰- شیروی، عبدالحسین و سربازیان اسفند آباد، مجید - مفهوم قرارداد دانش فنی و ماهیت حقوقی آن - فصلنامه پژوهش حقوق - سال سیزدهم - شماره ۳۴ - ۱۳۹۰



- ۱۱- شهینانی، احمد- حمایت‌های حقوقی از دانش فنی و آثار آن- فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی- دوره ۳۱- ش ۴- ۱۳۹۰
- ۱۲- صابری، روح الله - قراردادهای ليسانس- تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوق شهر دانش- چ ۱- ۱۳۸۷
- ۱۳- صفایی، سید حسین- دوره مقدماتی حقوق مدنی، اشخاص و اموال- جلد اول- چاپ دوم- تهران: نشر میزان- ۱۳۸۲
- ۱۴- قدیری، شیخ محمد حسن - کتاب البیع - قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی- چ ۱- ۱۴۱۸
- ۱۵- قنوتی، جلیل و وحدتی شیرینی، سید حسن و عبدی پور، ابراهیم (زیر نظر دکتر محقق داماد)- حقوق قراردادها در فقه امامیه- جلد اول- چاپ اول- تهران: انتشارات سمت- ۱۳۷۹
- ۱۶- کاتوزیان، ناصر- دوره مقدماتی حقوق مدنی: اموال و مالکیت- چاپ هفتم- تهران: نشر میزان- ۱۳۸۲
- ۱۷- محمودی، اصغر - ماهیت حقوق مالکیت فکری و جایگاه آنها در حقوق اموال- دوفصلنامه علمی - پژوهشی دانش حقوق مدنی- شماره دوم- پاییز و زمستان ۱۳۹۱
- ۱۸- مکارم شیرازی، ناصر- انوار الفقاهه (کتاب البیع) - ج ۱ - قم: موسسه الامام امیر المومنین- چ ۲- ۱۴۱۳ ق
- ۱۹- نایب زاده، شهناز- حقوق مالکیت معنوی و انتقال فناوری- مجله تدبیر، اردیبهشت ۱۳۸۶



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی